

ادامه از صفحه ۱۰

مشارکت یعنی ترویج روحیه تحمل نظر مخالف

کنند و فقط به اشتراک بگذارند نشان این نیست که مشارکت کم است بلکه این ایجاد آگاهی است که می‌تواند در مشارکت تاثیر گذار باشد.

پیام همان پیام است اگر قرار است تأثیر بگذارد در هر دو رسانه، کلاسیک و جدید می‌گذارند نمی‌توانیم بگوییم که رسانه‌های کلاسیک باعث انسجام اجتماعی می‌شوند و در مقابل رسانه‌های جدید باعث انزواج اجتماعی یا نظاره‌گر شدن جامعه می‌شوند.

● **پس تأثیر در مشارکت اجتماعی نقشی نیست که فقط بتوانیم به رسانه نسبت دهیم، اما به‌عنوان این که تنها نقش را در مشارکتی یا نظاره‌گر کردن جامعه داشته باشند قابل نیستید. آیا ما نمی‌توانیم نقش تقویت جامعه مشارکتی را هم به این رسانه‌ها نسبت دهیم؟**

شکل دیگری از مشارکت را متاثر از رسانه‌ها می‌دانم. مشارکتی که بدون این‌که افراد در جایی جمع شوند، از طریق پیام‌هایی که دریافت می‌کنند آرام‌آرام در رفتار و ظاهر و فکرها تغییر می‌دهند و کم‌کم می‌بینید یک عقیده بین مردم رایج شده و از خود می‌رسید این عقیده از کجا آمده بعد متوجه می‌شوید که نتیجه پیام‌هایی است که در شبکه‌های اجتماعی یا تکنولوژی‌های نوین رد و بدل شده‌اند.

زیرا تلویزیون یا رادیو که قصد ندارد نسبی‌گرایی را بین مردم ترویج دهند اما یک زمانی می‌بینید در اثر پیام‌های رسانه‌های نوین تحمل نظرات مخالف بین مردم زیاد شده و این مشارکت است. مشارکت یعنی یک روحیه جدید در مردم شکل می‌گیرد و این از طریق ارتباط بین فردی و گروهی است.

البته این هم در طیفی از مردم اتفاق می‌افتد. مشارکت یعنی بتوانید در سرنوشت جامعه نقش داشته باشید. مثل این‌که در طول زمان یک تفکری رایج شده است. این‌که افراد فقط لایک می‌زند یا به اشتراک می‌گذارند نشان از نظاره‌گر شدن جامعه نیست. این آگاهی است و هر چقدر آگاهی افزایش پیدا کند مشارکت هم بیشتر می‌شود. حالا شکل این افزایش آگاهی در دو نوع رسانه فرق می‌کند و نوعش هم با هم متفاوت است.

به خاطر این دو ویژگی است که این رسانه‌ها تنوع گروهی به وجود می‌آورند و نسبی‌ت فرهنگی را افزایش می‌دهند و وقتی از بدنه منتشر می‌شود، یک اتاق خبر معین نیست که بگوییم به آنها اعتبار هست یا نیست یا بگوییم دیدگاه سیاسی‌اش چیست.

نمی‌شود تشخیص داد چون میلیون‌ها نفر را در خود قرار داده که می‌توانند در ده‌ها گروه فکری، فرهنگی، اقتصادی، حرفه‌ای و... تقسیم شده باشند که حتی دیدگاه‌های فکری خیلی متضاد داشته باشند. این تکثر باعث می‌شود که نسبی‌ت فرهنگی و تنوع در یک جامعه به وجود بیاید و گونه‌گونی آدم‌ها پذیرفته شود. چون تکرار عقاید مختلف دیده می‌شود افراد با عقاید متفاوت راحت‌تر کنار می‌آیند. تا پیش از این‌که رسانه‌های جدید فراگیر شوند، مشارکت مردمی را به‌طور معمول در فعالیت‌های رسمی تأییدکننده نظام اجتماعی داشتیم مثل راهپیمایی و شرکت در مراسم مذهبی و سیاسی. در همان زمان هم عده‌ای ممکن بود در این فعالیت‌ها شرکت کنند و کسان دیگری که نمی‌خواستند در مراسم و مشارکت‌های این‌چنینی شرکت داشته باشند، منفعل بودند. یعنی مردم به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شدند. در کنارشان کسانی بودند که به‌اصل آن فعالیت معتقد بودند اما در آن مشارکتی نداشتند. بعضی‌ها در این حد که فقط عقیده داشته باشند و بعضی‌ها در حدی که بایستند و برای تفکرشان مبارزه کنند.

این طیف افراد در هر کدام از شاخه‌های متنوع مشارکت، وجود دارند. همه که بلند نمی‌شوند بروند مبارزه کنند. همه جور آدمی در همه طیف فکری هست و باز ما نمی‌توانیم این مشارکت یا نظاره‌گر بودن مردم را به رسانه‌ها نسبت دهیم. رسانه‌ها هر چند اگر ما جامعه را عاطفی یا عقلانی تعریف کنیم، هر یک به تنهایی عوارض منفی مختلفی را به دنبال دارند، ولی می‌توانیم بگوییم که رو به عقلانیت رفتن جامعه هر چند در دوران گذار، نوعی فردیت را رشد می‌دهد، اما در جامعه عقلانی جای این فردیت را به میزان زیادی تشخیص می‌گیرد که داشتن حقوق فردی است که با دیگران هم ارتباط می‌یابد. به میزانی که اخلاق، فرهنگ و حقوق شهروندی تقویت می‌شود، دو عنصر وظیفه و تکلیف در کنار هم برجسته شده و شهروندان را به‌عنوان افراد مسئول، ارتباط‌گر و مشارکت‌جو تعریف می‌کند. چون شهروند نمی‌تواند فقط به دنبال راحتی خود باشد، بلکه راحتی خود را بدون راحتی دیگران ممکن نمی‌داند.

دکتر مجیدرهنما، تحقیق‌چالی‌رادرلشترلستان انجام داد. نتیجه بیان می‌کند که عامل «یگری» یا فراتقصاری در توسعه، مهم است. سوابی که محقق از اهالی روستا پرسید این بود که آیا ساخت جاده در روستای خود و روستاهای مجاور، موافقت و جواب مثبت بود، یا این استدلال که اگر جاده در روستاهای دیگر نباشد، بار همه مشکلات به دوش یک روستانهد می‌شود. یعنی اهالی روستا این نکته را در یافته بودند که کم شدن بار توسعه در روستاهای دیگر، به کاهش توسعه در روستای آنان منجر می‌شود. بر همین مبنا، شهروند در جامعه مدرن کسی است که هر چه جامعه به سوی آزادی، برابری و رفاه پیشتر رود، او نیز بیشتر از این امکانات، منتفع خواهد شد. در این امر مهم به‌همه ما در ساختن جامعه‌های ممدل و پویا کمک می‌کند.



عکس: بهیج سمنیا/شهر وند

کار و تمایز یافتگی در آن ایجاد می‌شود، قبول دارم. اما وقتی هر یک از اینها عوارضی داشته باشند، به این نتیجه می‌رسیم که جامعه عقلانی می‌تواند بی‌تفاوت نیز باشد. جامعه بی‌تفاوت فقط یک جامعه احساسی نیست، خود عقلانیت هم الزام می‌کند که جامعه، تماشاگر نباشد. یعنی مساوی دانستن حساسیت با احساسات و عدم حساسیت با عقلانیت به نظر من دوگانه‌های غیرواقعی هستند.

هر چند اگر ما جامعه را عاطفی یا عقلانی تعریف کنیم، هر یک به تنهایی عوارض منفی مختلفی را به دنبال دارند، ولی می‌توانیم بگوییم که رو به عقلانیت رفتن جامعه هر چند در دوران گذار، نوعی فردیت را رشد می‌دهد، اما در جامعه عقلانی جای این فردیت را به میزان زیادی تشخیص می‌گیرد که داشتن حقوق فردی است که با دیگران هم ارتباط می‌یابد. به میزانی که اخلاق، فرهنگ و حقوق شهروندی تقویت می‌شود، دو عنصر وظیفه و تکلیف در کنار هم برجسته شده و شهروندان را به‌عنوان افراد مسئول، ارتباط‌گر و مشارکت‌جو تعریف می‌کند. چون شهروند نمی‌تواند فقط به دنبال راحتی خود باشد، بلکه راحتی خود را بدون راحتی دیگران ممکن نمی‌داند.

دکتر مجیدرهنما، تحقیق‌چالی‌رادرلشترلستان انجام داد. نتیجه بیان می‌کند که عامل «یگری» یا فراتقصاری در توسعه، مهم است. سوابی که محقق از اهالی روستا پرسید این بود که آیا ساخت جاده در روستای خود و روستاهای مجاور، موافقت و جواب مثبت بود، یا این استدلال که اگر جاده در روستاهای دیگر نباشد، بار همه مشکلات به دوش یک روستانهد می‌شود. یعنی اهالی روستا این نکته را در یافته بودند که کم شدن بار توسعه در روستاهای دیگر، به کاهش توسعه در روستای آنان منجر می‌شود. بر همین مبنا، شهروند در جامعه مدرن کسی است که هر چه جامعه به سوی آزادی، برابری و رفاه پیشتر رود، او نیز بیشتر از این امکانات، منتفع خواهد شد. در این امر مهم به‌همه ما در ساختن جامعه‌های ممدل و پویا کمک می‌کند.

امر قابل توجهی که به‌عنوان یک کاستی در جامعه مدنی مایده می‌شود، هنوز انفعال و در حاشیه ماندن من به دو نقد دیگر تأکید می‌کنم: نخست، نقد اجتماعی که به‌ضعف ما در این حوزه باز می‌گردد. باید بدانیم که به میزانی که جامعه مدنی، قوی‌تر شود و بنیادهایش گسترش بیشتری بیابد، جامعه، مشارکت‌جوتر می‌شود. چون امروز، مسأله مشارکت، یک امر سازمان یافته و دارای قاعده است.

پدیده‌های جدید وارد زندگی ما می‌شوند-خواه فضای مجازی، اینترنت و ماهواره باشد، خواه نوع جدید زیست اقتصادی یا نسخه تازه زندگی سیاسی- یافتن مبانی اخلاقی مربوطه و حرکت به دنبال این بنیادها اهمیت بیشتری می‌یابد. یعنی یک عامل مهم تماشاگری و بی‌تفاوتی، عادت کردن به نوعی زندگی مختل و معیوب است یا تکرار گزاره‌های نادرست مثل این موارد: «ما ایرانی‌ها همیشه این‌گونه بوده‌ایم»، «کی کار بدتر انجام داده‌ایم که حالا بخواهیم انجام دهیم» یا «بگذار از این هم بدتر شود، حتماً است» یا «حششان است». خود این زندگی عادت‌واره، نیازمند نقد اخلاقی است. البته

در بخش‌هایی از زندگی اجتماعی ما نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی را می‌توان دید که تا حدودی رشد هم داشته است مثل صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی یا فعالیت‌های زیست‌محیطی یا مشارکت سیاسی در قالب رأی دادن که در مجموع شاخص‌هایی از کنش و مداخله همدلانه در جامعه نیز هست، اما در عین حال، مسأله مهم، نهادی شدن، فرآیندی شدن و سازمان یافتگی این قبیل امور است به گونه‌ای که وجه غالب در جامعه ما نظاره‌گری و تماشاگری نباشد.

من، مسئولیت شهروندان و جامعه را سلب نمی‌کنم- و در کنار نقد فرهنگی به گسترش فناوری‌های نوین، من به دو نقد دیگر تأکید می‌کنم: نخست، نقد اجتماعی که به‌ضعف ما در این حوزه باز می‌گردد. باید بدانیم که به میزانی که جامعه مدنی، قوی‌تر شود و بنیادهایش گسترش بیشتری بیابد، جامعه، مشارکت‌جوتر می‌شود. چون امروز، مسأله مشارکت، یک امر سازمان یافته و دارای قاعده است.

پدیده‌های جدید وارد زندگی ما می‌شوند-خواه فضای مجازی، اینترنت و ماهواره باشد، خواه نوع جدید زیست اقتصادی یا نسخه تازه زندگی سیاسی- یافتن مبانی اخلاقی مربوطه و حرکت به دنبال این بنیادها اهمیت بیشتری می‌یابد. یعنی یک عامل مهم تماشاگری و بی‌تفاوتی، عادت کردن به نوعی زندگی مختل و معیوب است یا تکرار گزاره‌های نادرست مثل این موارد: «ما ایرانی‌ها همیشه این‌گونه بوده‌ایم»، «کی کار بدتر انجام داده‌ایم که حالا بخواهیم انجام دهیم» یا «بگذار از این هم بدتر شود، حتماً است» یا «حششان است». خود این زندگی عادت‌واره، نیازمند نقد اخلاقی است. البته

در بخش‌هایی از زندگی اجتماعی ما نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی را می‌توان دید که تا حدودی رشد هم داشته است مثل صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی یا فعالیت‌های زیست‌محیطی یا مشارکت سیاسی در قالب رأی دادن که در مجموع شاخص‌هایی از کنش و مداخله همدلانه در جامعه نیز هست، اما در عین حال، مسأله مهم، نهادی شدن، فرآیندی شدن و سازمان یافتگی این قبیل امور است به گونه‌ای که وجه غالب در جامعه ما نظاره‌گری و تماشاگری نباشد.

من، مسئولیت شهروندان و جامعه را سلب نمی‌کنم- و در کنار نقد فرهنگی به گسترش فناوری‌های نوین، من به دو نقد دیگر تأکید می‌کنم: نخست، نقد اجتماعی که به‌ضعف ما در این حوزه باز می‌گردد. باید بدانیم که به میزانی که جامعه مدنی، قوی‌تر شود و بنیادهایش گسترش بیشتری بیابد، جامعه، مشارکت‌جوتر می‌شود. چون امروز، مسأله مشارکت، یک امر سازمان یافته و دارای قاعده است.

پدیده‌های جدید وارد زندگی ما می‌شوند-خواه فضای مجازی، اینترنت و ماهواره باشد، خواه نوع جدید زیست اقتصادی یا نسخه تازه زندگی سیاسی- یافتن مبانی اخلاقی مربوطه و حرکت به دنبال این بنیادها اهمیت بیشتری می‌یابد. یعنی یک عامل مهم تماشاگری و بی‌تفاوتی، عادت کردن به نوعی زندگی مختل و معیوب است یا تکرار گزاره‌های نادرست مثل این موارد: «ما ایرانی‌ها همیشه این‌گونه بوده‌ایم»، «کی کار بدتر انجام داده‌ایم که حالا بخواهیم انجام دهیم» یا «بگذار از این هم بدتر شود، حتماً است» یا «حششان است». خود این زندگی عادت‌واره، نیازمند نقد اخلاقی است. البته

در بخش‌هایی از زندگی اجتماعی ما نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی را می‌توان دید که تا حدودی رشد هم داشته است مثل صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی یا فعالیت‌های زیست‌محیطی یا مشارکت سیاسی در قالب رأی دادن که در مجموع شاخص‌هایی از کنش و مداخله همدلانه در جامعه نیز هست، اما در عین حال، مسأله مهم، نهادی شدن، فرآیندی شدن و سازمان یافتگی این قبیل امور است به گونه‌ای که وجه غالب در جامعه ما نظاره‌گری و تماشاگری نباشد.

من، مسئولیت شهروندان و جامعه را سلب نمی‌کنم- و در کنار نقد فرهنگی به گسترش فناوری‌های نوین، من به دو نقد دیگر تأکید می‌کنم: نخست، نقد اجتماعی که به‌ضعف ما در این حوزه باز می‌گردد. باید بدانیم که به میزانی که جامعه مدنی، قوی‌تر شود و بنیادهایش گسترش بیشتری بیابد، جامعه، مشارکت‌جوتر می‌شود. چون امروز، مسأله مشارکت، یک امر سازمان یافته و دارای قاعده است.

بازتاب

جوابیه پلیس راهور ناجا - معاونت اجتماعی و فرهنگ ترافیکی

راهنامه‌ی و رانندگی با کسانی که به مقررات احترام نمی‌گذارند ضمانت اجرای قانون است. سؤال این است که اگر مأموران راهنمایی و رانندگی با متخلفان برخورد ننمایند پس کدام قشر از جامعه باید جلوی تخلفات بگیرد؟

۲- عدم آموزش کافی از سوی مراجع ذیصلاح در خصوص آشنایی مردم نسبت به وظایف خود در قبال امور دولتی و حاکمیتی، چون طبق قانون «مدیریت خدمات کشوری» یکی از وظایف دستگانه‌های دولتی آگاه‌سازی مردم با تکالیف خود در جامعه است (ماده ۲۶ قانون مدیریت خدمات کشوری) لذا به نظر می‌رسد علت اصلی این سوبه‌ها، تکالیف عدم آگاهی مردم نسبت به وظایف و مسئولیت‌های خود است.

۳- در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، علاوه بر خود اداره راهنمایی و رانندگی (پلیس ترافیک) از ۱۹ وزارتخانه، سازمان، اداره و ارگان نام برده شده است و به هر کدام از این سازمان‌ها وظایف مهمی محول شده است. به عبارت دیگر اداره راهنمایی و رانندگی (پلیس راهور) امر خطیر راهنمایی و رانندگی را با همکاری ۱۹ وزارتخانه، سازمان، ارگان و اداره بر عهده دارد.

اما متأسفانه مردم فقط پلیس راهور را در این زمینه مسئول می‌دانند.

۴- جامعه ما کمتر کسی پیدا می‌شود که از مصارف نهایی و جوجه حاصله از مبالغ جرایم رانندگی اطلاعات درست و صحیح داشته باشد. لذا بسیاری از افراد تصور می‌کنند جوجه حاصله از جرایم رانندگی، نصیب خود برسد. راهنمایی و رانندگی می‌شود که از نظر روانی نوعی مقاومت مردم در مقابل پلیس را ایجاد می‌نماید.

۵- جدول تخلفات جرایم رانندگی، که مقتن برای آنها مبلغ جریمه نقدی تعیین نموده است که شامل ۱۷۱ تخلف است که اگر قریب به اتفاق آنها از متن کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۶۸ «قانون الحاق ایران به کمیسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علامت‌ها» اتخاذ شده است و در تمام کشورهای عضو این کنوانسیون که تقریباً ۱۲۰ کشور به‌صورت مشابه اجرا می‌شوند. بنابراین متصفانه نیست که تخلف ورود به محدوده‌های محدودیت تردد، در جمله «محدوده طرح ترافیکی» و «محدوده زوج و فرد» که فقط در ۲ یا ۳ استان کشور آن هم در قسمت کوچکی از شهر اجرا می‌شود، پلیس راهنمایی و رانندگی یا پرسنل آن را که مجری قانون هستند زیر سؤال ببرد.

با احترام در مورخه ۱۸/۹/۱۳۹۲ مقاله‌ای با تیتراژ «جهدل به قانون رافع مسؤولیت نیست» و شهروندان برای داشتن یک زندگی بهتری دوغذغه باید از قوانین و مقررات برای زندگی اجتماعی خود اطلاعات کافی داشته باشند. آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی که مبنای کار پلیس ترافیک است از ۲۲ ماده تشکیل شده که تنها ۱۷ ماده آن مستقیماً اداره راهنمایی و رانندگی (پلیس ترافیک) را مخاطب قرار داده است. ۱۰ ماده آن وزارتخانه، سازمان، اداره و ارگان نام برده شده است و ۱۹ وزارتخانه، سازمان، اداره و ارگان نام برده شده است و به هر کدام از این سازمان‌ها وظایف مهمی محول شده است. به عبارت دیگر اداره راهنمایی و رانندگی (پلیس راهور) امر خطیر راهنمایی و رانندگی را با همکاری ۱۹ وزارتخانه، سازمان، ارگان و اداره بر عهده دارد.

۱- جریمه نمودن رانندگان متخلف یکی از وظایف و مسؤولیت‌های مأموران راهنمایی و رانندگی است که براساس قانون می‌باشد. اموری چون شماره گذاری، صدور پروانه‌ها، و رانندگی ترافیک، رسیدگی به تصادفات و بسیاری از کارهای مهم دیگر که با ترافیک همه شهرهای کشور صورت می‌گیرد بدون حضور پلیس راهنمایی و رانندگی امکان پذیر نیست.

لذا «جهدل به قانون رافع مسؤولیت نیست» و شهروندان برای داشتن یک زندگی بهتری دوغذغه باید از قوانین و مقررات برای زندگی اجتماعی خود اطلاعات کافی داشته باشند. آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی که مبنای کار پلیس ترافیک است از ۲۲ ماده تشکیل شده که تنها ۱۷ ماده آن مستقیماً اداره راهنمایی و رانندگی (پلیس ترافیک) را مخاطب قرار داده است. ۱۰ ماده آن وزارتخانه، سازمان، اداره و ارگان نام برده شده است و ۱۹ وزارتخانه، سازمان، اداره و ارگان نام برده شده است و به هر کدام از این سازمان‌ها وظایف مهمی محول شده است. به عبارت دیگر اداره راهنمایی و رانندگی (پلیس راهور) امر خطیر راهنمایی و رانندگی را با همکاری ۱۹ وزارتخانه، سازمان، ارگان و اداره بر عهده دارد.

بخش حقوق ملت، به‌ویژه تعیین و تبیین حدود و نفور جرایم سیاسی و تفکیک آن از جرایم امنیتی و فربه‌های آموزشی که معروف به نهی از منکر که در قرآن و سنت اهل بیت تأکید بسیاری شده است و عدم برخورد قضایی و قهری با منتقدان به عملکرد دستگانه‌های حاکم و همچنین جلوگیری از سانسور خبری در رسانه‌های گروهی، جس اعتماد مردم را به کارگزاران تحریک کرده و اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و نتیجه آن، مسلماً دخالت و مشارکت همگان در این راستا خواهد شد.

در راهنمایی‌های اجتماعی و آسیب‌های به‌هکارانه جامعه، بایستی تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای، برای شرکت‌دادن مردم در سستیز با این آسیب‌ها و روش‌های در مان آنها، صورت پذیرد. تهیه و پخش برنامه‌های آموزشی در شبکه‌های تلویزیونی، در کالبدشکافی ناهنجاری‌های اجتماعی و علل و عوامل بروز آنها و آموزش همگانی به مردم و نیز تشکیل و افزایش ستاده‌های خبری اطلاع‌رسانی همگانی مانند آنچه که در قالب شماره‌تلفن‌ها و صندوق‌های پستی وجود دارد، تا مردم بتوانند از آن طریق و به آسانی و سهولت و با یقین به شنیده‌شدن و نتیجه‌بخش بودن نظرات و انتقاد هایشان، کمک شایانی در این راستا خواهد کرد.

عمومی برای افرادی که مرتکب تخلفی از وظایف قانونی می‌شوند، محسوب می‌شود. در کشورهایی پیشرفته و دموکرات، یک وزیر یا مدیر یک شرکت دولتی، از افشا شدن سوءاستفاده‌های مالی خود، در افکار عمومی و رسانه‌های گروهی، بیشتر می‌ترسد تا تعقیب قضایی، حبس و مجازات‌های کیفری. لذا مشارکت مردم، بهترین راه پیشگیری از ارتکاب جرم توسط کارگزاران و حاکمان خواهد بود؛ و از این طریق، آمار پرونده‌های قضایی، در دادگستری نیز کاهش خواهد یافت.

متأسفانه در کشور ما به‌ویژه در چندسال اخیر، به جهت مشکلات بین‌المللی و اقتصادی که برای ایران رخ داد و بر خوردی که با برخی رسانه‌های گروهی و نهادهای صنفی و مردمی صورت پذیرفت، مشارکت‌همگانی جامعه کاهش یافته است. خوشبختانه، با روی کار آمدن دولت جدید و فراهم شدن یسترهای فعالیت رسانه‌های گروهی و فرهنگی و افزایش روزنامه‌ها و مجلات و سایت‌های خبری، نظرات مردم، در حال افزایش است؛ البته تا رسیدن به آرمان نهایی، بسیار راه مانده است. اجرای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در

مشارکت‌جو تبدیل شود، یکی از راه‌های درست همین است که شکاف بین حکومت و جامعه، کم شود و تعاریف ملموس و کاربردی از امر اخلاقی انجام بگیرد. یعنی در واقع، جامعه به توسعه و کاربردی شدن اخلاق، نیاز دارد. به این معنا که اخلاق، فرد را به صورت هنجاری به حساسیت داشتن و کمک کردن، وادار کند

مشارکت‌جو تبدیل شود، یکی از راه‌های درست همین است که شکاف بین حکومت و جامعه، کم شود و تعاریف ملموس و کاربردی از امر اخلاقی انجام بگیرد. یعنی در واقع، جامعه به توسعه و کاربردی شدن اخلاق، نیاز دارد. به این معنا که اخلاق، فرد را به صورت هنجاری به حساسیت داشتن و کمک کردن، وادار کند

مشارکت‌جو تبدیل شود، یکی از راه‌های درست همین است که شکاف بین حکومت و جامعه، کم شود و تعاریف ملموس و کاربردی از امر اخلاقی انجام بگیرد. یعنی در واقع، جامعه به توسعه و کاربردی شدن اخلاق، نیاز دارد. به این معنا که اخلاق، فرد را به صورت هنجاری به حساسیت داشتن و کمک کردن، وادار کند. به عبارت دیگر، وجدان عمومی باید نسبت به مسائل حساس شود. در این جامی توان نقد اخلاقی هم از جامعه داشت. یعنی غیر از نقد سیاسی - که به رابطه حکومت و جامعه باز می‌گردد که آن هم به نظر

شوند، به جهت مشارکت عمومی جامعه در نظارت بر رفتار آنان، ناگزیر از قرار گرفتن در مسیر درست خواهد شد و در صورت مقاومت در این راستا، با اهرم‌های نظارتی مردمی، از سیستم خود برکنار می‌شوند. مشارکت توده‌های مردم در دو بعد انتخاب نمایندگان و کارگزاران و نظارت بر عملکرد آنان، می‌تواند به‌صورت مستقیم صورت پذیرد. منتها در جوامعی مثل ایران که تنوع نژادی، طایفه‌ای و قومی و قبیله‌ای وجود دارد و همچنین، جمعیت آن کشور، زیاد است، امکان نظارت همه‌گیر مردم بر عملکرد حاکمان، در عمل با مشکلاتی روبه‌رو خواهد بود. نظر به پردازان در این راستا برای حفظ مشارکت مردم بر سرنوشت فردی و اجتماعی خود و نظارت بر رفتار کارگزاران، سازمان‌ها و کانون‌های برگرفته از توده‌های مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه به N.G.O معروف است را پیشنهاد می‌کنند.

توس از افکار عمومی در کشورهایی که بلوغ فکری مردم به‌حدی رسیده است که در همه ارکان سرنوشت حکومتی خود مشارکت می‌کنند، این مشارکت می‌تواند از طریق تشکیل احزاب و کانون‌های مردم‌نهاد که دارای اساسنامه و برنامه‌های مشخص و رسمی و اعضای متشکل هستند، صورت پذیرد و نمایندگان این